

قصه‌درک

شماره ۴۹

۱۸ تیر

۱۴۰۱

شعر

بخوانیم

۳

خادم افتخاری

روزهای دوشنبه، مامانم
خادمی مهربان و خندان است
در حرم توی صحن آزادی
چوب پر توی دست مامان است

افتخار بزرگ او این است
خادم افتخاری آن جاست
خوش به حالش که در حرم گاهی
چند ساعت کنار زائرهاست

دوست دارم که مثل مامانم
خادمی خوب و مهربان باشم
در خیالم همیشه بالبخند
روی مردم گلاب می پاشم

شاعره: عفت زینلی

تصویرگر: زهرا امسان فر